

قصه پژوهی ایرانی

حسن عادلخانی



به نام خدا

ناشر برگزیده
هفدهمین، بیستمین، بیست و دومین،
بیست و سومین و بیست و چهارمین
نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

قصه پژوهی ایرانی

حسن عادلخانی



۱۳۹۷



سرشناسه	عادلخانی، حسن، ۱۳۵۱ -
عنوان و نام پدیدآور	قصه پژوهی ایرانی / حسن عادلخانی.
مشخصات نشر	تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	بست ووش، ۳۷۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۴۴۴-۷-۷
وضعیت فهرست نویسی	فیا.
موضوع	افسانه ها و قصه های ایرانی - تاریخ و نقد Legends -- Iran -- History & Criticism
موضوع	داستان های فارسی - تاریخ و نقد Persian Fiction -- History and Criticism
موضوع	شعر فارسی - تاریخ و نقد Persian Poetry -- History and Criticism
شناسه افزوده	شرکت انتشارات علمی و فرهنگی Elmi - Farhangi Publishing Co.
رده بندی کنگره	۱۳۹۶ ق/ع PIR3۹۹۳
رده بندی دیویی	۳۹۸/۲۰۹۵۵۰۹
شماره کتابشناسی ملی	۴۷۵۱۳۲

قصه پژوهی ایرانی

نویسنده: حسن عادلخانی

چاپ نخست: ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

حروفچینی و آماده سازی: انتشارات علمی و فرهنگی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه

حق چاپ محفوظ است.

انتشارات
علمی و فرهنگی



اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (جهان کودک)، کوچه کمان،

پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۴۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷ - ۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۷۰ - ۸۸۷۷۴۵۶۹؛

فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲؛ تلفن: ۲۹ - ۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵ - ۸۸۶۷۷۵۲۴

آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir

www.farhangishop.com

وبسایت فروش آنلاین: فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، ابتدای کوچه گلغام، پلاک ۷۲؛

تلفن: ۳ - ۲۲۰۲۴۱۴۰

فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶ - ۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶

فروشگاه دو: میدان هفت تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛

تلفن: ۷ - ۸۸۳۴۳۸۰۶

فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه

محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

تقديم به

تمام قصه گويان؛

به‌ويژه گنجينه حقيقي فرهنگ آمره، پدر بزرگم،

اسفنديار عادلخاني

فهرست مطالب

چهار مثل به گویش آمره	سیزده
پیشگفتار	هفده
مقدمه	بیست و یک
فصل اول: مهم ترین مفاهیم کتاب	۱
فصل دوم: مبنای شکل گیری قصه	۵
تعریف قصه	۵
تعریف عامیانه	۷
شاخصه های قصه	۸
۱. از نظر زبان	۸
۲. از نظر زمان و مکان	۸
۳. از نظر راوی	۹
۴. از نظر هسته (طرح)	۹
۵. از نظر درونمایه	۱۰
۶. کارکردهای قصه	۱۰
۷. از نظر شخصیت و گفت و گو (دیالوگ)	۱۱

۱۱	انواع قصه عامیانه
۱۴	معرفی آمره
۱۴	شاخصه های معیشتی اهالی آمره
۱۵	گویش آمره
۱۶	نقشه و عکس آمره
۱۹	فصل سوم: پیشینه آمره پژوهی
۲۱	فصل چهارم: ویژگی های عمومی قصه های آمره
۲۹	فصل پنجم: پیشینه قصه پژوهی
۲۹	آثار داستانی پیشین
۳۳	قصه در پژوهش های ایرانیان
۴۰	نظریه ریخت شناسی پراپ
۴۷	نظریه شماره گذاری آرنه / تومپسون و طبقه بندی مارزلف
۵۳	فصل ششم: مبانی شکل گیری قصه
۵۵	فصل هفتم: چارچوب کتاب
۵۷	راویان
۵۷	گردآوری داده ها
۵۸	جدول طبقه بندی قصه های عامیانه آمره
۶۳	تحلیل جدول طبقه بندی قصه های عامیانه آمره
۶۵	فصل هشتم: جدول مشخصات راویان به ترتیب تعداد روایت
۶۵	تحلیل جدول مشخصات راویان
۶۶	تصویر راویان
۶۷	فصل نهم: طبقه بندی، تحلیل و بازگردانی ۳۰ قصه آمره به زبان فارسی
۶۷	گروه ۱) II. قصه های به معنی اخص: الف. قصه های سحر و جادو
۶۷	۱. مادیان چهل کره

۷۸	۲. دختر فقیر و شاقلی.....
۸۷	۳. انگشتی.....
۹۸	۴. دو شیرک.....
۱۰۵	۵. عمو رجبعلی.....
۱۱۳	۶. سکوت شاهزاده.....
۱۱۶	۷. سنجد پدربزرگ (۱).....
۱۲۷	۸. سنجد پدربزرگ (۲).....
۱۳۵	۹. عنتر خانم و هفت خواهر.....
۱۴۱	۱۰. سه پرسش.....
۱۴۶	۱۱. موسی و خارکن.....

گروه (۲) II. قصه‌های به معنی اخص: ب. قصه‌های مربوط به اولیا و

۱۵۷	شخصیت‌های تاریخی و.....
۱۵۷	۱۲. لالاین.....
۱۶۲	۱۳. دنیا، دار مکافات است.....
۱۶۵	۱۴. حضرت علی (ع) و دیو.....
۱۷۰	۱۵. اسکندر و پادشاه چین.....
۱۷۴	۱۶. اسکندر وجست وجوی آب زندگانی.....

گروه (۳) II. قصه‌های به معنی اخص: الف. قصه‌های سحر و جادو +

۱۸۰	قصه‌هایی مانند داستان کوتاه.....
۱۸۰	۱۷. عباس کچل.....
۱۸۹	۱۸. سرنوشت شاه عباس.....
۱۹۸	۱۹. سرزمین بی مرگی.....
۲۰۵	۲۰. گوهر شب چراغ.....
۲۱۶	۲۱. در جست وجوی سرزمین بی مرگی.....
۲۲۷	۲۲. پندهای صدتومانی.....

گروه (۴) قصه‌های شوخی.....

۲۴۰	۲۳. نه من غریب.....
-----	---------------------

- ۲۴۴..... ۲۴. دختر پادشاه و رندان اصفهان
- ۲۵۰..... ۲۵. مرد لُر و رندان اصفهان
- ۲۵۷..... ۲۶. مردی که به دنبال پول به اصفهان رفت
- ۲۶۸..... گروه ۵) قصه‌هایی مانند داستان کوتاه
- ۲۶۸..... ۲۷. دستک بزید که هرچه بردند بردند
- ۲۷۴..... ۲۸. سنگ صبور
- ۲۸۱..... گروه ۶) قصه‌های مربوط به حیوانات
- ۲۸۱..... ۲۹. شنگول و منگول
- ۲۸۵..... گروه ۷) قصه‌های دیو ابله
- ۲۸۵..... ۳۰. مرد ترسو
- ۲۹۳..... فصل دهم: نمونه‌هایی از قصه‌ها به گویش آمره
- ۲۹۳..... ۴. دو شیر که
- ۲۹۷..... ۵. عامو رجبلی
- ۳۰۱..... ۶. سکوت شازاده
- ۳۰۲..... ۷. سنجیئک بوا (۱)
- ۳۰۷..... ۸. سنجیئک بوا (۲)
- ۳۱۱..... ۹. دادا عترة و هف خواخ
- ۳۱۳..... ۱۰. سه پرسش
- ۳۱۶..... ۱۱. موسی و خارکن
- ۳۲۳..... ۱۲. لالایینه
- ۳۲۵..... ۱۳. دنیا دار مکافاته
- ۳۲۷..... ۱۴. حضرت علی (ع) و دیو
- ۳۳۰..... ۱۷. عباس کچل
- ۳۳۵..... ۱۸. ماجرای شاه عباس
- ۳۳۹..... ۱۹. سرزمین بی مرگی
- ۳۴۳..... ۲۰. گوهر شب چراغ

۲۵. مرد لُر رند گلِ اسبونه	۳۵۰
۲۶. مرده‌ای که جه دمه پول به اسبوشه	۳۵۳
۲۸. سنگ صبور	۳۵۶
۲۹. شنگول و منگول	۳۵۸
نتیجه	۳۶۱
منابع	۳۶۵
کتاب‌ها	۳۶۵
مقالات	۳۶۸
پایان‌نامه‌ها	۳۶۹
منابع لاتین	۳۷۰
منابع شفاهی	۳۷۰

چهار متل به گویش آمره^۱



اول

جنگیدی و جنگیدی	بکشتی و بکشتی ^۲
سرم را شکستی	کله سرُم شکستی
خون داخل گودال ریخت	خونه بشیه ها چاله
گودال علفی به من داد	چاله ها مُ علف دا
علف را بردم به بزی دادم	علفم ببرد گیچیم دا
بزی پشکلی به من داد	گیچیی بی پشگلکش هایم دا
پشکل را به مادر بزرگ دادم	پشگلکم ببرد ها مانیم دا
مادر بزرگ فتیری به من داد	مانیه بی فتیر کش هایم دا
فطیر را بردم به پدر بزرگ دادم	فطیر کم ببرد ها بوام دا

۱. راوی هر سه متل، مادر بزرگم، مرحوم مرضیه انیسی.

۲. در روایتی دیگر: «بگشتی و بگشتی: چرخیدی و چرخیدی/ جست و جو کردی و جست و جو کردی».

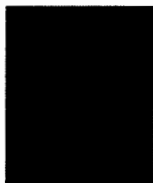
پدر بزرگ کلیدی به من داد	بواپی کیلیتک هایم دا
کلید را بردم	کیلیتکم ببرد
این در را باز کردم، خالی بود	ی بَرُم واکرد، پوچ
آن در را باز کردم، خالی بود	اُبَرُم واکرد، پوچ
در دیگر را باز کردم خالی بود (تا ۷ در)	اُبَرُم واکرد، پوچ (یا ۷ بَر)
در هفتم را باز کردم	بَرِ هفتمینُم که واکرد:
شغال و روباه و گرگ	شغاله و روباه و وُرگ
و همه نوع چرنده و پرنده	و چرِنده و پرِنده
و همه نوع موجود داخل آن بود	و همه چی بیابه

دوم

سوسک کوچولو کجا می روی؟	سوسول موسوله به کچی؟
نعنا کتان کجا می روی؟	نعنا کُتنه به کچی؟
	تُشم تُشم یا همدُن) آهسته، آهسته تا همدان
که شوهری تازه و جوان بیابم	شو بَکُرم تره جووُ
گوشت بخرم بر سر چوب کنم	گوشت ها گیرُم وا چو کُرم
آرد بخرم داخل خمره بریزم	آرد ها گیرُم تبو کُرم
پشم بخرم، رشته کنم	پشم ها گیرُم واوو کُرم
چرخ بخرم، نخ ریزی کنم	چرخ ها گیرُم واوو کُرم
تا پیر قباى شوهرم را نونوار کنم.	پره فُنا شوم نُونو کُرم

سوم

گنجشک زرد و برد	مَلیچی نَک زرد و بَرده
الهی عزیزانت بمیرند	عزیز دِل بَمَرده
پنجه گل را کجا بردی؟	پنجه گِلِت که بَرَدی؟
«آن را روی یخ گذاشتم	«وَه سرِ یخ یخُم نیا
گر به آمد و برد»	مالک بَمیه بَش بَرَدی»



چهارم^۱

یه پادشا بود، سه تا پسر داشت
دو تاش مرده بود، یکی ش جان نداشت

اونی که جان نداشت، تیر و پیکان نداشت
تفنگش ته نداشت، چاقوش دسته نداشت
سز به صحرا گذاشت، گشنه‌ش شد غذا نداشت

گشت و گشت، سه تا آهو پیدا کرد
دو تاش مرده بود، یکی ش جان نداشت

با اون تفنگی که ته نداشت
زد به آهوئی که جان نداشت
سر از زمین بر نداشت

بعد خواست دیزی بیزد، دیگ نداشت
گشت و گشت، سه تا خانه پیدا کرد
دو تاش خراب شده بود، یکی ش سقف نداشت

رفت به خانه‌ای که سقف نداشت
سه تا دیگ پیدا کرد، دو تاش شکسته بود، یکی ش ته نداشت

۱. در آخرین روزهایی که کتاب برای چاپ آماده می‌شد آقای حسین غفاریان متلی زیبا را که از پدرش مرحوم حاج درویش‌علی به زبان فارسی شنیده بود برای همیشه در کتاب قصه‌ها به ثبت رساند.

با آن چاقو که دسته نداشت
گوشت را ریخت تو اون دیگی که ته نداشت
جوشید و جوشید تا استخوانش آب شد و
گوشتش خبر نشد

بعد دیزی را که خورد تشنه‌ش شد
گشت و گشت، سه تا چشمه پیدا کرد
دو تاش خشک شده بود، یکی ش‌نم نداشت

سرش را گذاشت تو اون چشمه که نم نداشت
نوشید و نوشید تا سر از زمین بر نداشت.

بعد می گفت: «سر نهادم بر زمین / بر این زمین نازنین / کس به بالینم نیاید /
غیر از امیر المؤمنین / اگر پا شدیم شکر خدا / اگر پا نشدیم / اشهد ان
لااله الا الله / محمد است رسول الله / علی ولی الله».

پیشگفتار

اندیشه جمع آوری قصه‌های آمره^۱ درست از زمانی در ذهنم شکل گرفت که پژوهش در فرهنگ آمره را آغاز کردم؛ یعنی از سال ۱۳۷۱. اما در آن سال‌ها گردآوری، تدوین و تألیف واژه‌نامه و فرهنگ امثال گویش آمره را ترجیح دادم که نتیجه‌اش انتشار این کتاب در سال ۱۳۷۹ بود. پس از آن تمام هم خود را متوجه تألیف فرهنگ عامه نمودم که به انتشار کتاب فرهنگ عامه آمره در سال ۱۳۸۴ ختم شد و روشن شدن تکلیف ۱۲ قصه‌ای که در سال ۱۳۷۲ ضبط کرده بودم، همچنان در انتظار آینده‌ای نامعلوم ماند؛ زیرا هرگز راضی نبودم قصه‌ها را بدون تحلیل و طبقه‌بندی منتشر نمایم.

در این مدت، پیوسته در اندیشه ضبط و ثبت باقی‌مانده قصه‌ها از ذهن راویان بر کاغذ بودم، ولی متأسفانه هر بار به دلیلی فرصت را از دست دادم تا یکی از راویان کهن سال (علی اکبر دلاوری) که چندین بار برای روایت قصه اعلام آمادگی کرده بود، رخت به

۱. روستای آمره از توابع شهرستان خلیجستان استان قم - در منتهالیه غرب این استان هم‌مرز با استان مرکزی - با شهر قم ۸۶ کیلومتر، با شهر تفرش ۲۵ کیلومتر و با شهر آشتیان ۳۰ کیلومتر فاصله دارد و اهالی آن با گویش آمره‌ای - از گویش‌های مرکزی ایران - سخن می‌گویند.

دیار باقی کشید و دقیقاً نمی دانم چند قصه اصیل را با خود به دل خاک برد.

اما اینک شک ندارم که بر اثر سهل انگاری، بسیاری از این قصه های رنگارنگ و اصیل - که تعداد آن ها هم کم نیست - در طول تاریخ، بدین ترتیب به طاق نسیان سپرده شده و برای همیشه از دست رفته است؛ برای نمونه آقای غلامعلی سعیدی نقل می کند که هنگام کار در معدن باریت آمره، هر روز صبح حاج فرج الله حقوردی قصه ای طولانی را شروع می کرد که تا ظهر ادامه می یافت و حتی گاهی باقیمانده قصه را شیفت کاری عصر بیان می کرد.

همچنین خانم فاطمه غفاریان خاطرات شب هایی را ذکر نمود که در گرمای تابستان همراه دختر همسایه هر شب تا فرارسیدن خواب، یک قصه جدید را برای یکدیگر نقل می نمودند؛ قصه هایی که هم اکنون متأسفانه حتی نام تعدادی از آن ها را هم به یاد ندارند.

مادرم، خانم مریم مخلصی هم خاطره قصه گویی های حاج محمد محمدعلی بیگی (عمو محمد زوله) را در شب های طولانی زمستان نقل نمود که تعداد آن ها تا ۱۳ قصه می رسیده و نام یکی از آن ها «بز شاخ طلا» بوده، ولی سرانجام با تلاش بسیار فقط توانست بخش هایی از قصه «سنگ صبور» را یادآوری و به کمک خانم فاطمه غفاریان نقل نماید.

نگارنده نیز در دوران راهنمایی و دبیرستان که دو یا سه ماه تابستان در زمین های کشاورزی دیم همراه مرحوم کربلایی محمد مبشری مشغول درو بودم، قصه های فراوانی را از ایشان شنیدم که فقط بخش هایی از آن ها را جسته گریخته به یاد دارم و بیش از آن قصه ها، دریغ و افسوسی به جا مانده که تمام وجودم را آکنده است.

اما ادامه تحصیل موجب جمع آوری کامل نمونه ها و طبقه بندی و تحلیل جدی آن ها زیر نظر استادان صاحب نظر گردید؛ لذا در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲، با کاوش بسیار توانستم راویانی را بیابم که هنوز تعدادی از قصه ها را به یاد داشتند.

از آنجا که با ورود رادیو و تلویزیون به تمام خانه‌ها، سنت قصه‌گویی در شب‌نشینی‌ها به دیدن فیلم و سریال و اخبار تبدیل شده و برخی از قصه‌ها سال‌ها یا شاید دهه‌ها بازگو و تکرار نشده بودند، تعدادی از راویان اظهار نمودند که بخش‌هایی از قصه‌ها را فراموش کرده‌اند، یا فقط شاکله اصلی آن را به یاد دارند؛ این نکته در تعدادی از قصه‌ها کاملاً مشهود است.

شاید نام تعدادی از قصه‌ها این گمان را ایجاد کند که قصه‌ای تکرار شده، اما دقت بیشتر نشان می‌دهد که آن‌ها فقط در نام یا حوادث مختصر دیگر مشترک هستند و کارکردهای کاملاً مستقلی دارند.

تمام تلاش‌م در تمامی مراحل جمع‌آوری، پیاده‌سازی، ترجمه و تایپ و ... این بوده که کوچک‌ترین تصرف یا دخالتی در ثبت قصه‌ها نداشته باشم و آن‌ها را با حفظ امانت و اصالت، به همان شکلی که روایت شده‌اند، منعکس نمایم.

به منظور ارائه گویش آمره، اصل تعدادی از قصه‌ها نیز ارائه گردیده تا هم به عنوان سندی مکتوب از این گویش بر صفحه روزگار مشوث گردد و هم زمینه برای پژوهشگران علاقه‌مند به حوزه‌های زبان‌شناسی و گویش‌شناسی فراهم آید.

در طبقه‌بندی قصه‌ها، ابتدا در جدولی شماره قصه بر اساس رده‌بندی آرنه/تومپسون و گروه‌بندی مارزلف آمده، سپس کارکردهای اجزای قصه بر اساس جدول پراپ در پایان قصه‌ها با علامت مخصوص ذکر شده است (البته بدیهی است که این کارکردها ویژه قصه‌هایی هستند که عوامل جادویی در آن‌ها دیده می‌شود).

در پایان تمام قصه‌ها در بخش بن‌مایه‌ها، مسیر قصه، نحوه بسط آن‌ها، اجزای قصه‌ها بر مبنای طبقه‌بندی مارزلف، ساختار کلی ترکیب قصه‌ها و در نهایت بن‌مایه‌های ساختاری و محتوایی گوناگون از قبیل زبانی،

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، تربیتی، اقتصادی، روان‌شناسانه و ... به شکل توصیفی و تحلیلی ارائه گردیده است.

در پایان تشکر می‌کنم از تمام راویان، راهنمایی‌های ارزشمند دکتر مریم صادقی و دکتر محمدصادق فرید، همکاری‌ها و تشویق‌های صمیمانه تمام اهالی آمره و صبوری همسر و اعضای خانواده‌ام.

حسن عادل‌خانی - آمره، مرداد ۱۳۹۵

مقدمه

ای برادر قصه چون پیمانه است معنی اندر وی به سان دانه است
دانه معنی بگیرد مرد عقل ننگرد پیمانه را گر گشت نقل
مثنوی معنوی

کاوش در جلوه‌های گوناگون فرهنگ عامه (فولکلور)^۱ از قرن‌ها قبل، در غرب به عنوان یکی از شاخه‌های علم مورد توجه قرار گرفت و به شکل اصولی و روشمند به سرانجام رسید.

ثبت جلوه‌های فرهنگ عامیانه در ایران با تأسیس دانشگاه از طریق آشنایی با پژوهش‌های غربیان در فرهنگ عامه کشور آغاز گردید و اگرچه «اندیشمندان ایرانی از دیرباز درباره اهمیت شناخت و تحلیل نمونه‌های ادبیات عامیانه کوشش کرده‌اند ... ولی به نظر می‌رسد هنوز

۱. folklore: نخستین بار باستان‌شناسی به نام تامس (W. G. Thames) با نام مستعار آمبروز مرتون، واژه فولکلور را در مقاله‌ای در نشریه انجمن ادبی لندن به کار برد (فرهنگ مردم ایران، ۱۳۷۸: ۸). «این واژه فرانسوی (مركب از دو كلمه انگلیسی فولک [folk] به معنی توده و لور [lore] به معنی دانش) در معنی علم به آداب و رسوم توده مردم و افسانه‌ها و تصنیف‌های عامیانه، [معادل] توده‌شناسی، فرهنگ عامه، مجموعه عقاید، اندیشه‌ها، قصه‌ها، آداب، رسوم، ترانه‌ها و هنرهای ساده و ابتدایی یک ملت است» (جعفری قنات‌ی، ۱۳۹۲: ۱۹).

جای فعالیت‌های دقیق علمی - تخصصی و منظم خالی است» (بی‌نام، ۱۳۸۷: ۸).

اهمیت و دشواری پژوهش در فرهنگ عامه زمانی روشن‌تر می‌شود که موضوع آن، یکی از شاخه‌های ادبیات، یعنی ادبیات شفاهی، به عنوان منبع و منشأ بسیاری از آثار بزرگ ادبیات رسمی کشور قرار می‌گیرد؛ مثلاً می‌دانیم فردوسی در تدوین داستان‌های شاهنامه از روایات شفاهی بهره گرفته است.

مهم‌تر آن که ادبیات شفاهی راهی است برای شناخت و تحلیل روایات یک ملت؛ «به همین دلیل تاریخ‌دانان که سال‌ها بررسی و تحلیل تاریخی فرهنگ عامیانه را کم‌اهمیت انگاشته و آن را رها کرده بودند، اینک اهمیت آن را بازشناخته و از نو به آن روی آورده‌اند و جامعه‌شناسی و جامعه‌شناسان هم پی برده‌اند که ادبیات عامیانه و سیر تحول آن، منبعی برای شناخت جسترهای اجتماعی در سطح محلی ملی و جهانی است» (همان: ص ۶، نقل از Gunnell, 2005: 812).

درست به همین دلیل است که بسیاری از مستشرقان سالیان درازی از عمر خود را صرف ثبت و ضبط جلوه‌های گوناگون فرهنگ عامه مردم مشرق‌زمین نموده و به گردآوری و تجزیه و تحلیل این آثار پرداخته‌اند؛ موردی که گاهی از نگاه محققان ایرانی مغفول مانده؛ تا آنجا که هنوز هم بسیاری از پژوهشگران جایگاه حقیقی این کاوش‌ها را نمی‌شناسند و اصولاً به آن اعتقادی ندارند.

غریبان نیک دانسته‌اند که سودمندترین راه تعامل با جوامع، شناسایی نیازها، آرزوها، ضعف‌ها و قوت‌های آن‌هاست و در این راه چه عنصری ساده‌تر و سریع‌تر از شناخت روایات ایشان از طریق مطالعه در فرهنگ عامه است؟ از میان جلوه‌های فرهنگ شفاهی عامیانه، قصه، سریع‌ترین و شاید دقیق‌ترین راه نیل به این هدف است؛ لذا ایشان از همان ابتدا بخش وسیعی از تلاش‌های مادی و معنوی خود را صرف گردآوری

و تجزیه و تحلیل قصه‌ها نموده^۱ و در این راه - از لحاظ کمی و کیفی - از پژوهشگران ما پیش افتاده‌اند و چه بسا راهگشای ما بوده‌اند؛ زیرا «هزارویک شب که برای اولین بار در سال ۱۷۰۴م در فرانسه ترجمه شد، سرآغاز رویدادی اساسی است برای تمام ادبیات اروپا» (بورخس، ۱۳۷۷: ۱۴۴). زمانی که نه تنها پژوهش در ادبیات عامه مورد توجه علمای ایرانی نبوده، بلکه در آغاز سده اخیر هم عده‌ای با شک و تردید به این حوزه می‌نگریسته‌اند (خوانساری، ۱۳۴۹: ۶). به همین دلایل و به دلیل علاقه مفراط شخصی برای حفظ و ثبت آداب و فرهنگ گویش مادری، بر آن شدم که آخرین قصه‌های آمره را از ضمیر آخرین نسل راویان، بر زبانشان جاری سازم و در راه شناخت باورها، نیازها، آرزوها و ... ایشان گام بردارم.

سال‌هاست که گردآوری و مطالعه قصه‌های عامیانه در ایران رواج یافته، لیکن صرف جمع‌آوری قصه‌ها، جز حفظ میراث فرهنگی محلی / ملی فایده‌ای ندارد و این تلاش زمانی نتیجه‌ای مضاعف خواهد داشت که قصه‌ها به روش علمی ریخت‌شناسی، طبقه‌بندی و توصیف شوند.

بدین ترتیب، اندیشه گردآوری، ریخت‌شناسی و تبیین ساختار کلی و توصیف بن‌مایه‌های ساختاری و محتوایی قصه‌های عامیانه آمره از دو دهه قبل (سال‌های آغازین دهه هفتاد) در ذهن نگارنده شکل گرفت و از همان ابتدا نقل و ثبت صرف قصه‌ها، دغدغه‌ام را فرو نمی‌نشاند و پیوسته در جست‌وجوی فرصتی مناسب بودم که باقی‌مانده قصه‌ها را ضبط و تحت نظارت استادی کاردان، به روش علمی طبقه‌بندی، تحلیل و توصیف نمایم.

اکنون که این فرصت طلایی فراهم شده، مهمترین اهداف کتابم، عبارت‌اند از

۱. برای آگاهی بیشتر از سیر و حجم مطالعات ایشان - فصل دوم، مبحث «قصه در پژوهش‌های ایرانیان».

۱. جمع آوری، حفظ، ثبت و ضبط قصه‌های عامیانه آمره و نجات آن‌ها از زوال.

۲. ریخت‌شناسی، طبقه‌بندی و تحلیل بن‌مایه‌ها و ساختار کلیه قصه‌های عامیانه آمره.

۳. معرفی قصه‌های عامیانه آمره و توصیف بن‌مایه‌های ساختاری و محتوایی گوناگون زبانی، اخلاقی - تربیتی، اجتماعی، سیاسی، تاریخی - جغرافیایی، فرهنگی، اعتقادی - مذهبی و ... آن‌ها.

جمع آوری قصه‌های عامیانه از آن جهت اهمیت دارد که قصه یکی از ابزار مهم شناخت آمال، آرزوها، اندیشه‌ها، باورها، امکانات و محرومیت‌ها و در مجموع زیرساخت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و ... یک جامعه است. همچنین بازنمایاندن جنبه ناشناخته‌ای از فرهنگ ملی - یعنی ادبیات عامیانه روستایی - به جهانیان و اثبات این نکته که ایران و روستاهای آن از نظر ادبیات شفاهی جلوه‌های غنی ادبی و فرهنگی دارند.

این کتاب، ۳۰ قصه عامیانه روستای آمره را که به شیوه میدانی از ۱۰ راوی از سال ۱۳۷۲ تا سال ۱۳۹۲ ضبط شده، به شکل کمی و کیفی معرفی و تشریح می‌نماید.

مشکل اساسی این کتاب، کهنوت برخی از افراد جامعه آماری بود که مانع ضبط و ثبت دقیق تعدادی از قصه‌های اصیل آمره گردید؛ بنابراین فقط آنچه در ذهن راویان مانده بود، ثبت و بررسی شده است. همچنین مؤلف بسیار متأسف است که تعدادی از قصه‌های اصیل به دلیل فوت راویان ثبت و ضبط نشده است.

ناگفته نماند که در تحلیل‌های این کتاب، مباحث گوناگون زبان‌شناختی از قبیل آواشناسی، دستور زبان (صرف و نحو)، معناشناسی، گویش‌شناسی، مباحث تخصصی روان‌شناسی، مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی، علم سیاست و ... مطرح نمی‌شوند و تلاش مؤلف تنها معطوف به ریخت‌شناسی قصه‌های آمره از منظر نظریه پراپ،

مقدمه / بیست و پنج

شماره گذاری آرنه / تومپسون و طبقه بندی مارزلف و توصیف بن مایه های
ساختاری و محتوایی از قبیل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و روان شناختی
خواهد شد.